

## انتقال موقوف!

### از نامه يك جوان

... در این ماه يك نسخه از نشریه «مکتب اسلام» بدستم افتاد و  
«مجبور»! بخواندن آن گردیدم. قبلا نیز دوسه بار شماره -  
هائی از آن را خوانده بودم و هر بار میخواستم نامه ای بشما بنویسم و  
مطالبی یاد آور شوم ولی باز پشیمان گردیده بودم. اما این بار  
نتوانستم از نوشتن خود داری کنم و این نامه را برای شما  
نوشتم!

قصدمن از نوشتن این نامه این نیست که شمارا در راهی که در پیش  
گرفته اید تشویق کنم بلکه میخواهم بشما یاد آور شوم که بعضی  
از نوشته های «مکتب اسلام» نه تنها خوب نیست بلکه  
بسیار زشت و ناپسند است! اصولا هیچ بشما مربوط  
نیست که در باره این موضوعات که توضیح خواهیم داد، قلمفرسائی  
نمائید!

مثلا چندی پیش مطلبی نوشته بودید راجع بمسابقات «بوکس»!  
و در آن گوشزد نموده بودید که چرا چنین مسابقاتی در آمریکا بر-  
گزار میشود و چرا عده ای از مردم از اینگونه مسابقات استقبال  
میکند؟!

اولا باید بگویم این مطلب ربطی بشما که در کناری نشسته اید  
و از هر مؤسسه و مجله و هر مقامی انتقاد میکنید ندارد! اصلا این  
وظیفه شما نیست که مردم آمریکا را براه راست هدایت کنید.  
و یا مثلا بار دیگر مقاله ای در مکتب اسلام نوشته بودید که در آن

تا میتوانستید بیتهلها را کوبیده بودید! و آنها را پسرانی  
ولگردو... معرفی کرده بودید، باید بگویم این مطلب نیز هیچ-  
گونه ربطی بشما ندارد!!

موضوع دیگر: نمیدانم چرا شما پایتان را توی کفش هنر-  
پیشگان سینما نموده‌اید؟! و مرتباً از آنها بدمینویسید،  
مگر آنها چه گناهی مرتکب شده‌اند؟! غیر اینست که آنها لحت  
و پتی! روی پرده ظاهر شده‌اند و از این راه سر نخ‌های بدست شما  
داده‌اند تا انتقاد کنید...

خلاصه اینکه امیدوارم دست از انتقاد از این و آن بردارید و فقط  
درباره دین و علم! چیز بنویسید زیرا نام مجله خود را مجله  
ماها نه دینی و علمی گذاشته‌اید!

ارادتمند شما : ف - د



در میان نامه‌های فراوانی که همه هفته از داخل و خارج برای ما می‌رسد و ما را با دامه این  
خدمت مقدس مذهبی و علمی تشویق میکنند، گاهی بعضی نامه‌های انتقاد آمیز دیده میشود که  
برای ما بسیار آموزنده است و از نظر ارزیابی افکار طبقات مختلف اجتماع مدرک زنده‌ای  
محسوب میگردد.

نامه بالا را که **یک جوان ناشناس!** برای ما فرستاده و ما آنرا در سری نامه‌های قابل  
توجه قرار داده‌ایم یکی از این نامه‌هاست.

درست نامه فوق را مورد دقت قرار دهید و تجزیه و تحلیل کنید و طرز تفکر این جوان و  
افرادی مانند او را (که متأسفانه کم نیستند!) در باره دین و مذهب و وظائف یک مسلمان واقعی و  
روحانی ملاحظه فرمائید.

تمام مضمون این نامه را در یک جمله میتوان خلاصه کرد و آن اینکه: چون روش مجله‌ما  
دینی و علمی است مطلقاً انتقاد در باره مسائل مختلف اجتماعی و اخلاقی بر ما روا نیست، ما را با  
فیلمهای زنده‌ای که سرچشمه انواع انحرافات اخلاقی و جنایات میشود چکار؟ ما را با مطبوعات  
فاسد و گمراه کننده چکار؟ ما را با «یتلیسم» و انحراف فکری و اخلاقی جوانان چکار؟ و لا بد  
ما را با مواد مخدره، هروئین، مشروبات الکلی، قمار و... چکار؟

ما باید فقط از علم و دین چیز بنویسیم ، اما این علم و دین چیست و چه معنی دارد خدا میداند ؟ !

این طرز تفکر غلط و نادرست درباره «دین و مذهب» تنها مربوط باین جوان ناشناس نیست ، عده ای از طبقات مختلف متأسفانه همینطور فکر میکنند .  
فراموش نمیکنم چندی قبل یکی از رجال که در آن وقت پست حساسی در یکی از وزارت - خانه ها داشت و الآن در آن پست نیست در برابر بعضی از انتقادات ما از مطبوعات منحرف و یافیل - های ضد اخلاقی میگفت : **شما چرا راجع بنماز و روزه بحث نمیکنید ؟** دینی و علمی یعنی اینها ! ! ..

ولی چون جوانی در برابر این طرز منطق ازمانشید ، خودش جواب خودش را داده گفت :  
میدانم خواهید گفت اسلام تنها نماز و روزه نیست ، امر بمعروف هم دارد ، نهی از منکر و مبارزه با فساد هم دارد ، اما . . . ( چون «امای» او از موضوع بحث ما خارج است فعلا کار به آن نداریم ) .

\* \* \*

### چقدر در معنی «دین» اشتباه میکنیم ؟ !

ما نمیدانیم کسانی که چنین فکر میکنند از «اسلام» چه فهمیده اند ؟ ما بارها گفته ایم اسلام دین انزوا ، دین گوشه گیری ، دین جدائی از اجتماع و مسائل اجتماعی نیست ، بلکه اسلام يك بر نامه جامع و وسیع انسانی برای زندگی است ، آنهم يك زندگی سعادت مندانه و پرافتخار و آرام بخش .

مقررات و دستورات عالی اسلام از لحظه تولد انسان شروع و تا آخرین لحظه زندگی ادامه دارد ، بلکه برای قبل از تولد و پس از مرگ هم دستورهائی در اسلام وارد شده است .

جامعیت آئین اسلام در این حدیث که پیامبر بزرگ ما فرموده بخوبی منعکس میباشد : **الْإِيمَانُ**

**بِضَعِ وَسَبْعُونَ بَابًا أَفْضَلُهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ .**

**الْمُؤْمِنِينَ** : ایمان هفتاد و چند باب دارد (۱) از همه مهمتر شهادت به یگانگی خدا و اصل توحید

است و از همه ساده تر برداشتن موانع (سنگ و مانند آن) از سر راه مسلمانان میباشد .  
جائی که حتی در مورد سنگی که در کوچه و بازار افتاده و ممکن است پای کسی بآن بخورد و ناراحت شود در تعلیمات اسلام دستوری وارد شده باشد باید حساب سایر مسائل اجتماعی ، اقتصادی ،

(۱) ممکن است این عدد اشاره به کثرت ابواب تعالیم اسلامی باشد نه يك عدد خاص .

سیاسی و اخلاقی را کرد .

نمیدانیم اگرما درباره فساد روز افزون این اجتماع ، بحث و انتقاد نکنیم ، چه کسی باید بحث و انتقاد کند .

متأسفانه همواره بیگانگان از اسلام کوشیده اند این آئین جامع را که سراسر شئون زندگی اجتماعی و فردی را ، در تمام جنبه های مادی و معنوی شامل میگردد بصورت يك سلسله تشریفات خشک و بی روح جلوه دهند که در حاشیه زندگی انسان قرار دارد ، و از آن تأسف آورتر اینکه بعضی از مسلمانان نیز چشم و گوش بسته دنبال این نمونه ناموزون را گرفته و تعلیمات عالی اسلام را منحصر بهمان تشریفات بی روحی معرفی میکنند که هر مسلمان واقعی از آن بیزار است .

ما هنگامیکه تواریخ اسلام را مطالعه میکنیم و می بینیم مسجد تنها جای نماز و عبادت نبوده بلکه پایگاه مهمی برای تبلیغات اسلامی بود ، ستاد ارتش اسلام بود ، مرکز اصلی دادگستری و فرهنگ اسلام و خلاصه مرکز اصلی تمام جنبشهای اسلامی بود برای این طرز تفکر که امروز بعضی در باره اسلام دارند لبخند میزنیم .

امید داریم این طرز تفکر نادرست را در باره اسلام تغییر داده و اسلام را آنچه آنچنان که هست بشناسیم .

پیامبر اکرم (ص) میفرماید :

من حق الولد علی والدة ثلاثه : یحسن اسمه و یعلمه

الکتابة و یزوجہ اذا بلغ

از حقوق فرزند بر پدر سه چیز است :

- ۱ - نام نیک بر او بگذارد .
- ۲ - نوشتن را با او بیاموزد .
- ۳ - وسیله ازدواج او را هنگامی که بسرحد رشد رسید فراهم سازد .

«مکارم الاخلاق ص ۱۱۴»